

S05_E02 فرار از زندان



محمد دوجی ۱۳۹۶/۲/۱

Previous

قبلی – پیشین

previously on Prison Break

آنچه در فرار از زندان گذشت.

Intensified

زیاد شدن – شدید شدن

the fighting in Yemen intensified today.

در این روزها ، جنگ و کشمکش توی کشور یمن خیلی بالا گرفته.

Rebels

شورشیان

radical

سیاست مدار افراطی

caliphate

خلافت

Abu Ramal, who was captured by the government five years ago.

ابو رامال ، کسی که پنج سال پیش توسط دولت دستگیر شد.

Ramal is known for his extreme views and practices.

رامال رو به عقاید سفت و سخت و شیوه کاری وحشتناکش میشناسن.

Ramal is known for...

رامال رو به خاطر میشناسن.

(رامال مشهوره)

slave

برده

execution

اعدام

this is it.

همینه

get up here.

بیا این بالا.

You are not going to leave us, are you?

تو که نمیخوای تنهامون بذاری، نه؟

have faith

امید داشته باش

got to go back.

باید برگردیم.

What the plan then?

پس نقشه مون چیه؟

I can't wait another four years.

من نمیتونم چهار سال دیگه هم صبر کنم.

Apparently...

ظاهرا

escape

فرار کردن

solitary

انفرادی – منفرد

release

رها کردن – آزاد کردن

get back here.

برگرد اینجا.

Kid was spying on us.

پسره داشت جاسوسیمون رو میکرد.

Doormat

پادری

he left something under the doormat.

اون یه چیزی زیر پادری برامون گذاشت.

This is Michael's handwriting.

این دست خط مایکل هستش.

Swan

قو

mysterious

مرموزانه

abetting
کمک به جرم.

She's thinks I'm abetting a terrorist.
اون داره فکر میکنه من دارم به یه تروریست کمک میکنم.

Convince
متقاعد کردن

you have got to leave
شما باید از اینجا برین.

The government is being targeted.
دولت رو هدف قرار دادن.

I will not run away.
من فرار نمیکنم.

Exile
تبعید – تبعید کردن

I'd rather ...
ترجیح میدم که

what's he doing here?
اون اینجا چیکار میکنه؟

my friend needs your help.
دوست من به کمک تو احتیاج داره.

I gave him my help.
من قبلا بهش کمک کردم.

This man you claim is your brother, worked with the enemy.
این مردی که ادعا داری برادرته ، با شورشیا کار میکرده.

I don't care.
اهمیتی نمیدم. – برام مهم نیست.

There's nothing you can say to me that will make me help you.
الان هیچی نمیتونی بگی که وادارم کنه تا پیام و کمکت کنم.

Deliver me this first.
اول اینو برام برسون.

I'm gonna be right here when the bell rings.
وقتی زنگ خورد من همینجا منتظرتم.

I got the note.
نامه رو گرفتم.

We're going to get you out of here.
ما میخواییم از اینجا بیریمت بیرون.

You know I'm a noted economist?
میدونستی که من یه اقتصاددان مشهورم؟

that's the first and last time, hopefully.
امیدوارم اولی و آخرین بار باشه.

You remember those government guys
اون افراز دولتی رو یادت میاد

dope
دارو دادن

you are doped up on pankillers and you are thinking too much.
کلی مسکن خوردی و زیادی داری فکر میکنی.

I promise this has nothing to do with you.
بهد قول میدم که این موضوع هیچ ربطی به کارای تو نداره.

I called earlier.
من یکم پیش زنگ زده بودم.

Let me walk you to the director's office.
بذارید تا دفتر مدیر راهنماییتون کنم.

It's an unusual situation.
این وضعیت عجیبیه.

I'll take it from here.
از اینجا به بعد دیگه با خودم.

Let me know if you need anything.
اگه چیزی میخواستین بهم خبر بدین.

How did I end up to you again?
چطوری شد که دوباره کارم به تو کشید؟

what is that supposed to mean?
این یعنی چی؟

let me enlighten you...
اجازه بده برات روشن کنم...

I'm touched by your concern.
نگرانیت تحت تاثیر قرارم داد.

Have a seat.
بشین.

But I am evermore a boring guy now.
ولی الان من بیشتر یه آدم خسته کننده شدم.

Mellow
رسیده - نرم - جا افتاده - دلپذیر - مهربان

that's ridiculous.
احمقانهست.

That's just a memory.
اون فقط یه خاطره ست.

Now, that's scary, to think who could be behind that.
حالا ببین، این واقعا ترسناکه که فکر کنی ببینی کی میتونه پشت همچین چیزی باشه.

Formidable
ترسناک - نیرومند - قوی - سخت - دشوار

insinuate
اشاره کردن - تلقین کردن

you are insinuating that he did this?
یعنی داری میگی که اون همه این کارا رو کرده؟

I want answers just like you do.
منم درست مثل خودت جواب سوالامو میخوام.

Who's capable of this?
کی از پس همچین کاری بر میاد؟

only a handful of people in the world can do this.
فقط تعداد انگشت شماری از مردم توی دنیا میتونن همچین کاری بکنن.

I figure we got a day.
من فهمیدم که ما یه روز دیگه داریم.

We're not gonna die.
ما قرار نیست بمیریم.

We don't have time to come up with another escape plan.
ما وقت اینو نداریم که یه نقشه ی فرار دیگه درست کنیم.

So you are nervous.
خب پس تو هم نگرانی.

I'm only doing this for the money.
من فقط این کار رو برای پول انجام میدم.

Don't think you and I are suddenly good.
فک نکنی که دارم در حقت لطف میکنیم و این حرفا.

You just deliver me the sheikh.
تو فقط شیخ رو به من برسون.

They are well away from here.
اونا خیلی از اینجا دور هستن.

Riddle

سوراخ سوراخ کردن - معما - رمز - جدول رمز

I think it's a phone number.
فک کنم این یه شماره تلفنه.

Thanks for taking the time to see us.
ممنون که وقت گذاشتین و ما رو دیدین.

Where is everybody?
بقیه کجان؟

flee

گریختن - فرار کردن - بسرعت فرار کردن

all we know is that he went to the suburbs.
تنها چیزی که میدونیم اینه که رفته به حومه ی شهر.

Do you have an address for her?

آدرسی ازش داری؟

you are not going to try to find him, are you?

شما که قرار نیست برین و پیداش کنین ، مگه نه؟

god be with you, then.

خدا به همراهتون باشه پس.

Circled the address.

دور آدرس دایره کشیدم.

You are coming with us.

تو هم با ما میایی.

What's wrong with the suburbs?

مگه حومه ی شهر مشکلش چیه؟

the front line of the war.

خط مقدم جنگ.

Circumstance

شرایط - شرح - چگونگی - رویداد

you should check your e-mail, Sara.

سارا ، بهتره ایمیلت رو چک کنی.

What am I looking at?

دارم به چی نگاه میکنم؟ (اینا چی هستن؟)

intermittent

نوبتی - نوبت دار

prey

شکار - شکار کردن

this is the killing I was telling you about.

این همون قتلی هست که داشتم دربارش بهت میگفتم.

This is exactly what they did to Lincoln.

این دقیقا همون کاریه که با لینکلن کردن.

The evidence is overwhelming.

شواهد خیلی چشم گیره.

Whatever name you want to call him.

حالا هر اسمی که میخوای روش بزار.

What's going on?

چه خبر شده؟

I need your advice.

من به توصیه هات نیاز دارم.

Still want to know how he got that in here.

هنوزم نمیدونم چطوری تونسته اونو با خودش بیاره این تو.

What the hell is that?

این دیگه چه کوفتیه؟

we are the Champions.

ما قهرمانیم.

Get stuck

گیر کردن

identity theft

جعل هویت

cremate

سوزاندن و خاکستر کردن

how exactly do you know all this?

چطوری همه ی اینا رو میدونی؟

I asked him.

ازت پرسیدم

I don't even know why you call me that.

من اصلا نمی دونم چرا منو این طوری صدا میکنی.

See, in game theory, it serves you to be two-faced.

میدونی توی بازی ، این ایجاب میکنه دو رو باشی.

Be everyone's friend till the moment you're not.

دوست همه باشی تا زمانی که دیگه نیستی.

Loyalty

وفاداری

what I'm trying to understand is what he stands to gain.

چیزی که من می خوام بفهمم اینه که اون دنبال چیه؟

according to the little you've told me, he was different.

با توجه به اون چیزای کوچیکی که بهم گفتی اون فرق داشت.

Contingency

احتمال – احتمالا – چیزی که در آینده ممکن است رخ دهد.

You meet people, you bring them into your life

تو آدمایی رو میبینی، اونا رو وارد زندگیت میکنی.

Until the moment you need to manipulate the relationship to your advantage.

تا این که نیاز پیدا میکنی که روابط رو تغییر بدی برای اینکه به نفع خودت باشه.

I'm not judging, you know?

میدونی من قضاوت نمیکنم.

He might initially think smaller evils are okay.

اون احتمالا به این فکر میکنه خلاف های کوچیک مشکلی ندارن.

Like breaking Lincoln out of prison.

مثله فراری دادن لینکلن از زندان.

I don't think I've seen you this scared before.

من فکر نمیکنم تا حالا دیده باشم که اینقدر ترسیده باشی.

Worst of the worst.

بدترین حالت ممکنه.

ISIL fanatics.

تعصبی های داعش

they are going to kill me, you know.

اونا منو میکشن، خودت میدونی.

Homosexual

همجنس باز

you were responsible for killing the lights.

تو مسئول خاموش کردن چراغا بودی.

I don't know what happened to him.

من نمیدونم که چه بلایی سرش اومده.

Maybe I can find another way.

شاید بتوانم یه راه دیگه پیدا کنم.

There is something you could do.

یه کاری هست که میتونی انجام بدی.

Give me a piece of that gum.

یه دونه از اون آدامسات رو به من بده.

You sure about this?

از این بابت مطمئنی؟

there's no time left.

وقتی نمونده.

The city's about to collapse.

شهر داره از هم می پاشه.

He's burning up, he needs the infirmary.

داره میسوزه، باید به درمانگاه بره.

how we doing out there?

اوضاع بیرون چطوره؟

we're all good.

امنه.

You sure about this?

از این بابت مطمئنی؟

there's no time left.

وقتی نمونده.

The city's about to collapse.

شهر داره از هم می پاشه.

Desperate times call for desperate measures.

تو وقت های مشکل باید هرکاری میتونی انجام بدی.

Come on.

زود باش.

Guards

نگهبان ها

we got a sick on in here.

یک اینجا مریض شده.

He's burning up, he needs the infirmary.

داره می سوزه، باید به درمانگاه بره.

Limit of government control

مرز کنترل دولتی

territory

سرزمین

let me do the talking.

بزارید من صحبت کنم.

They're not letting us through.

نمیزارن رد بشیم.

Tell him I bet \$500 bucks we'll make it back in one piece.

بهبش بگو ۵۰۰ دلار شرط می بندم سالم برگردیم.

He doesn't have \$500 to bet.

اون ۵۰۰ دلار واسه شرطبندی نداره.

It doesn't matter.

مهم نیست.

He says we have a death wish.

میگه آرزوی مرگ داریم.

The city used to be beautiful.

این شهر قبلا زیبا بود.

Look what they've done to it.

ببین چه بلایی سرش آوردن.

Portrait

تصویر - نقاشی - تصویر صورت

they're putting up portraits of Abu Ramal.

دارن عکس های ابو رمال رو میکشن.

God help us if he gets out.

اگه آزاد بشه خدا به دادمون برسه.

We're gonna get stopped.

قرار جلومون رو بگیرن.

Cover up.

قایم بشید.

Can't believe this.

باورم نمیشه.

I know him.

اونو میشناسم.

Identification, please.

کارت شناسایی، لطفاً.

What are you doing in the suburbs?

تو حومه ی شهر چیکار میکنی؟

took a wrong turn.

اشتباهی پیچیدم.

You got your hair covered up.

سرت رو پوشوندی.

There is only one god.

فقط یه خدا هست.

We're gonna take the city, you know.

ما شهر رو میگیریم، خودت میدونی.

Maybe I'll make a good woman of you.

شاید یه زن خوب ازت درست کردم.

Why don't I just turn around now?

چطوره من همین الان برگردم؟

we forgive each other.

جفتمون همدیگه رو ببخشیم.

forget each other ever existed.

یادمون بره اصلاً وجود داریم.

Beauty is not so easily forgotten.

زیبایی به راحتی فراموش نمیشه.

We have to go.

ما باید بریم.

They are gone.

رفتن.

We have to hurry.

ما باید عجله کنیم.

We're lucky he didn't kill me right then.

شانس آوردیم بلافاصله منو نکشت.

Maybe I'll tell you one day.

شاید یه روزی بهت بگم.

They are destroying our city.

دارن شهرمون رو نابود میکنن.

Your ISIL friends are destroying our city.

دوست های داعشیت دارن شهرمون رو نابود میکنن.

And you coming here and wanting help.

و تو میایی اینجا و کمک میخوایی.

Just give me a little something.

فقط یه چیزی بهم بده.

Is there a doctor here?

اینجا دکتری هست؟

I'm burning up.

دارم می سوزم.

You should thought about that.

باید فکرشو میکردی.

When you supplied guns to them.

وقتی برایشون سلاح فراهم میکردی.

Assassinat

کشتن – به قتل رساندن – ترور کردن

those charges were a misunderstanding.

اون اتهامات فقط سوء تفاهم هستن.

Charges

اتهامات

an honest man doesn't try to escape.

یه مرد راستگو سعی نمی کنه فرار کنه.

If it was up to me ...

اگه دست من بود...

I'd have left you in solitary forever if it was up to me.

اگه دست من بود می انداختمت توی انفرادی.

The address at the end of the block.

آدرسش آخر این خیابونه.

Right in front of the house.

درست جلوی خونه هستن.

Anything easy in this country?

توی این کشور چیزی هست که آسون باشه؟

the question is:

سوال اینه که:

only one way to find out.

فقط یه راه واسه فهمیدنش هست.

We are from the city center.

ما از مرکز شهر اومدیم.

We are here to get you out.

اومدیم از اینجا بیاریمت بیرون.

We can bring her.

میتونیم ببریمش.

I came to get her out.

اومدم از اینجا خارجش کنم.

Pin

گیر افتادن

I got pinned.

گیر افتادم.

You okay?

حالت خوبه؟

prescription

نسخه نویسی

it's the good stuff.

چیز خوبییه.

I need access to your cell phone and a credit card number.

میخوام از تلفنت و یه شماره ی اعتباری استفاده کنم.

I want to order a pizza.

میخوام پیتزا سفارش بدم.

There's a back door.

یه در پشتی هست.

Rooftop

پشت بام

I can get in that pickup.

میتونم وارد اون وانت بشم.

I'll get her out, I promise.

من میارمش بیرون، قول میدم.

Your father sent me.

I'm getting you out of here.

پدرت منو فرستاده. از اینجا میبرمت بیرون.

Suicide bombers

بمب گذار های انتحاری

are you out of your mind?

دیوونه شدی؟

their parents have been killed.

والدینشون به قتل رسیدن.

I'm trying to figure out how can I help them.

میخوام ببینم چه کمکی ازم برمیاد براشون.

They can stay here for now.

میتونن فعلا رو اینجا بمونن.

As long as you tell me who you know in Ogygia.
تا وقتی بهم بگی تو ی اوگی جیا کی رو میشناسی.

I went to visit him a few weeks ago.
چند هفته پیش به دیدنش رفتم.

He said, maybe there is a way out.
گفتش ، شاید یه راه واسه بیرون اومدن باشه.

You agreed to help him.
قبول کردی کمکش کنی

he said if I could arrange a blackout.
گفت اگه بتونم ترتیب یه خاموشی رو بدم.

Blackout
خاموشی – قطع کامل برق – خاموش شدن چراغ ها

power grid
شبکه ی برق

god knows I'm no perfect judge of character.
خدا میدونه نمیتونم شخصیت کسی رو قضاوت کنم.

If any of what they're saying is true..
اگه حرف هایی که میزنن واقعیت داشته باشه..

so there's more to find out.
پس چیز های بیشتری واسه فهمیدن هست.

The important thing is that you are gonna survive this.
نکته ی مهم اینه که از این موقعیت جون سالم به در میبری.

And we're here for you. Okay?
و ما هواتو داریم، باشه؟

all the kids have been released.
همه بچه ها تعطیل شدن.(بیرون اومدن)

release
مرخص شدن – ترخیص – ازاد کردن

hey, have you seen Mike?
هی ، شما مایک رو ندیدین؟

what are you doing? You scared me.

چیکار میکنی؟ ترسوندی منو.

I was looking for where the man went.

داشتم میدیدم اون مرده کجا رفت.

The man that gave me this.

مردی که اینو بهم داد.

Hide everyone, A storm is coming.

همه رو مخفی کن ، طوفان در راهه.

ISIL is getting closer by the hour.

هر ساعت که میگذره، داعش نزدیکتر میشه.

When they take over, they'll kill all of us.

وقتی اینجا رو تصاحب کنن، همه مون رو میکشن.

Infidels

کافر ها

sinners

گناهکاران

the guards are releasing the prisoners.

نگهبانان دارن زندانی ها رو آزاد میکنن.

Good to finally see you, brother.

خوشحالم بالاخره میبینمت ، برادر.

We're not free yet.

هنوز آزاد نشدیم.

You have found a way out for us?

راه فراری برامون پیدا کردی؟